

واکاوی دلایل ادعای امارات متحده عربی مبتنی بر اصل تصرف موثر در موضوع جزایر سه‌گانه ایران

فاطمه نداف اردستانی

دانشجو دکتری حقوق بین‌الملل واحد تهران مرکز

چکیده

جزایر سه‌گانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) به‌عنوان بخشی حیاتی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، از دیرباز در مرکز توجه ژئوپلیتیک و حقوق بین‌الملل قرار داشته‌اند. امارات متحده عربی با استناد به اصل تصرف موثر (Effective Occupation)، ادعای مالکیت این جزایر را مطرح کرده و تلاش دارد این ادعا را از منظر حقوق بین‌الملل تقویت کند. این پژوهش با هدف بررسی دقیق ادعاهای امارات و تحلیل شواهد ارائه‌شده توسط این کشور، اصل تصرف موثر را در چارچوب معیارهای حقوقی و پرونده‌های مشابه بین‌المللی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ادعای امارات فاقد شواهد کافی برای اثبات اعمال مستمر و مؤثر حاکمیت بر جزایر سه‌گانه است. شیوخ محلی شارجه و رأس‌الخیمه نه تنها از ابزارهای لازم برای اعمال کنترل عملی برخوردار نبوده‌اند، بلکه فعالیت‌های آنها، نظیر جمع‌آوری مالیات یا صدور مجوزهای اقتصادی، محدود و پراکنده بوده است. در مقابل، ایران با ارائه شواهد تاریخی قوی، حضور مداوم نظامی و اداری و پذیرش بین‌المللی، معیارهای تصرف موثر را به‌طور کامل برآورده کرده است. نتیجه‌گیری این پژوهش حاکی از آن است که اصل تصرف موثر به‌جای تقویت ادعای امارات، حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه را تثبیت می‌کند. این تحلیل ضمن نقد ادعاهای امارات، تأکید می‌کند که ایران باید با استناد به اصول حقوق بین‌الملل و شواهد تاریخی، حاکمیت خود بر این جزایر را در مجامع بین‌المللی به‌طور مستمر تقویت کند.

واژگان کلیدی: جزایر سه‌گانه، ادعای مالکیت، حقوق بین‌الملل، اصل تصرف.

۱. مقدمه

جزایر سه‌گانه ایرانی، شامل جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، از موضوعات مهم و حساس در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و حوزه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. این جزایر که از لحاظ جغرافیایی در نقطه‌ای استراتژیک از خلیج فارس قرار دارند، از دوران باستان بخشی از قلمرو ایران بوده‌اند و شواهد تاریخی و حقوقی بسیاری بر حاکمیت ایران بر این جزایر دلالت دارد. با این وجود، از دهه ۱۹۷۰ میلادی، دولت امارات متحده عربی ادعاهایی مبتنی بر حاکمیت بر این جزایر مطرح کرده و این موضوع به یکی از جنبه‌های پرتنش در روابط دو کشور تبدیل شده است. ادعای امارات متحده عربی به استناد اصل تصرف موثر (Effective Occupation) در حقوق بین‌الملل مطرح شده است. اصل تصرف موثر به‌عنوان یکی از مبانی حقوق بین‌الملل در تعیین حاکمیت سرزمینی، بر اعمال مداوم و موثر یک دولت بر یک منطقه به همراه نیت و خواست اعمال حاکمیت دلالت دارد. این اصل به‌ویژه در مورد مناطق مورد مناقشه، مرجع حقوقی مهمی در دادگاه‌های بین‌المللی بوده است. با این حال، کاربرد و تفسیر این اصل در مورد جزایر سه‌گانه ایران به دلیل پیچیدگی‌های تاریخی، سیاسی و حقوقی مرتبط با آن، موضوعی مبهم و نیازمند بررسی دقیق است. جنبه‌های مجهول و مبهم مسأله تحقیق را می‌توان از چندین وجه مورد واکاوی قرار داد. یکی از ابهامات اساسی این است که چگونه امارات متحده عربی با استناد به اصل تصرف موثر می‌تواند ادعاهای خود را توجیه کند، در حالی که شواهد تاریخی و حقوقی نشان می‌دهد ایران از دوران‌های پیش از معاصر تا کنون اعمال حاکمیت مستمر و موثر بر این جزایر داشته است. از سوی دیگر، مشخص نیست که چرا اصل تصرف موثر به‌طور گزینشی و بدون توجه به تمام جنبه‌های تاریخی و حقوقی منطقه توسط امارات متحده عربی تفسیر می‌شود. همچنین، تعیین میزان اعتبار و قدرت استدلال‌ات امارات در چارچوب حقوق بین‌الملل

همچنان مسئله‌ای مبهم است که نیاز به تحلیل دقیق دارد. جنبه دیگر مسئله به عدم ارائه شواهد قوی از سوی امارات مربوط می‌شود که بتواند اثبات کند پیش از سال ۱۹۷۱ و بازگشت جزایر به ایران، این کشور اعمال حاکمیت مستمر و موثر بر این مناطق داشته است. در همین حال، برخی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با انگیزه‌های سیاسی به این مناقشه دامن زده و آن را به سطحی فراتر از یک اختلاف حقوقی ارتقاء داده‌اند. این امر بررسی موضوع را از جنبه حقوقی و تاریخی پیچیده‌تر کرده است. متغیرهای مربوط به این مسأله را میتوان از چند وجه تحلیل کرد:

- متغیر حقوقی: به عنوان مهم‌ترین متغیر، شامل اصل تصرف موثر در حقوق بین‌الملل، مفهوم اعمال حاکمیت مستمر، و نقش اسناد بین‌المللی مرتبط.
- متغیر تاریخی: شواهد و مدارک تاریخی حاکی از حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه و دلایل تاریخی مخالفت برخی دولت‌ها.
- متغیر سیاسی: تأثیر انگیزه‌های سیاسی و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در برجسته کردن این مناقشه.
- متغیر ژئوپلیتیک: موقعیت استراتژیک جزایر سه‌گانه در خلیج فارس و اهمیت آن در معادلات بین‌المللی. این پژوهش تلاش دارد با تمرکز بر تحلیل حقوقی اصل تصرف موثر و تطبیق آن با شواهد تاریخی و حقوقی موجود، ادعاهای امارات متحده عربی را مورد بررسی قرار داده و نشان دهد که حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه بر اساس اصول حقوق بین‌الملل کاملاً موجه و مستند است.

۲. ضرورت تحقیق

موضوع حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی یکی از مسائل راهبردی و حساس در حوزه سیاست خارجی و حقوق بین‌الملل است. این موضوع نه تنها جنبه‌های حقوقی و تاریخی دارد، بلکه از منظر ژئوپلیتیکی و امنیتی نیز برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه خلیج فارس بسیار حائز اهمیت است (افشار سیستانی، ۱۳۸۰: ۹۱). بررسی ادعاهای امارات متحده عربی درباره این جزایر و استناد آن به اصل تصرف موثر، ضرورت انجام تحقیق علمی و جامع در این زمینه را دوچندان می‌کند. اهمیت این پژوهش در چندین بعد مشخص می‌شود:

- اهمیت حقوقی: جزایر سه‌گانه به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود و تأثیرگذاری بر خطوط مرزی دریایی و منابع اقتصادی منطقه، از دیدگاه حقوق بین‌الملل، اهمیت ویژه‌ای دارند. ادعاهای امارات متحده عربی بر مبنای اصل تصرف موثر به یکی از جنبه‌های چالش‌برانگیز حقوق بین‌الملل در این پرونده تبدیل شده است (پورطالب، ۱۳۹۲: ۵۰). تحلیل دقیق این اصل و تطبیق آن با شرایط تاریخی و حقوقی حاکمیت ایران بر این جزایر می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد حقوقی این موضوع کمک کند. علاوه بر این، تحقیق حاضر می‌تواند به تولید دانش حقوقی در زمینه نحوه استناد به اصول حقوق بین‌الملل در حل اختلافات سرزمینی کمک شایانی کند.
- اهمیت تاریخی: جزایر سه‌گانه از دیرباز بخشی از قلمرو ایران بوده‌اند و شواهد تاریخی متعددی دال بر این موضوع وجود دارد. بررسی دقیق مدارک و شواهد تاریخی و ارائه آنها در قالب تحلیل علمی، می‌تواند نقش مهمی در تقویت موضع ایران در برابر ادعاهای امارات متحده عربی ایفا کند (بحیرایی، ۱۳۸۸: ۳۹). این پژوهش فرصت مهمی برای احیای اسناد تاریخی مرتبط با حاکمیت ایران بر این جزایر و جلوگیری از تحریف تاریخ فراهم می‌آورد.
- اهمیت ژئوپلیتیکی: جزایر سه‌گانه به دلیل قرار گرفتن در قلب خلیج فارس، یکی از حساس‌ترین مناطق جهان، از نظر ژئوپلیتیکی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. کنترل بر این جزایر به معنای کنترل بر بخشی از کریدور حیاتی انتقال انرژی جهان است. با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی در این منطقه، هرگونه تضعیف موقعیت ایران

- می‌تواند به تغییر معادلات قدرت در خلیج فارس منجر شود. بنابراین، پرداختن به ادعاهای امارات و دفاع از حق حاکمیت ایران در چارچوب پژوهش‌های علمی، به حفظ جایگاه استراتژیک ایران در این منطقه کمک می‌کند.
- اهمیت امنیتی: هرگونه مناقشه بر سر حاکمیت جزایر سه‌گانه می‌تواند تبعات امنیتی برای ایران و منطقه به دنبال داشته باشد. ادعاهای مکرر امارات متحده عربی، به ویژه در مجامع بین‌المللی، تلاش‌هایی برای مشروعیت‌بخشی به این ادعاهاست که در صورت بی‌توجهی، می‌تواند به بحرانی امنیتی منجر شود. این پژوهش می‌تواند با ارائه استدلال‌های قوی و مستند، زمینه‌ای برای تقویت موضع ایران در مذاکرات و مقابله با تلاش‌های دیپلماتیک و تبلیغاتی امارات فراهم آورد.
 - اهمیت در توسعه مطالعات حقوقی و بین‌المللی: این پژوهش با تمرکز بر اصل تصرف موثر و نحوه استناد به آن در پرونده‌های حقوق بین‌الملل، می‌تواند به توسعه ادبیات علمی در این حوزه کمک کند. همچنین، نتایج این تحقیق می‌تواند برای پژوهشگران، وکلا، دیپلمات‌ها و سیاست‌گذاران به‌عنوان یک منبع مرجع در برخورد با مسائل مشابه استفاده شود. ارائه الگویی از استناد به اصول حقوق بین‌الملل در حل اختلافات سرزمینی، یکی از دستاوردهای بالقوه این تحقیق است.

۳. پیشینه تحقیق

حجازی (۱۳۹۹)، در کتابی به جزایر سه‌گانه خلیج فارس: بررسی دلایل حاکمیت از سوی امارات و ایران پرداخته است. نویسنده در این پژوهش تلاش کرده تا ادعاهای ایران و امارات متحده عربی را در خصوص حاکمیت این جزایر به‌صورت مقایسه‌ای بررسی کرده و دلایل هر دو طرف را از دیدگاه حقوق بین‌الملل تحلیل کند. مطلبی و پورطالب (۱۳۹۲)، در کتابی به جزایر سه‌گانه از منظر تاریخی و حقوق بین‌الملل پرداخته است. کتاب اثری پژوهشی است که به بررسی مالکیت جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از دو منظر اصلی تاریخی و حقوقی می‌پردازد. این کتاب تلاش می‌کند با بهره‌گیری از اسناد تاریخی، مدارک حقوقی و معاهدات بین‌المللی، حاکمیت ایران بر این جزایر را اثبات کند. همچنین به تحلیل ادعاهای امارات متحده عربی و نقش بازیگران بین‌المللی در تشدید یا تضعیف این مناقشه می‌پردازد. رویکرد کتاب ترکیبی از شواهد تاریخی، تفسیرهای حقوقی و تحلیل‌های سیاسی است. جلالی و ایزدی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به دلایل تاریخی و حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی پرداخته‌اند. ادله مختلف حقوقی که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرند، از جمله مرور زمان، کنترل موثر و مستمر، عدم توسل به زور و تاریخی بودن تصاحب جزایر از طرف ایران، همگی حاکمیت قانونی ایران بر جزایر را اثبات می‌کند. راه‌های مختلفی جهت حل و فصل اختلاف مذکور پیشنهاد شده است که یکی از آنها رجوع به دیوان بین‌المللی دادگستری است. اما بر اساس ماده ۳۶ اساسنامه دیوان، طرح یک مساله در آن دیوان نیازمند رضایت طرفین اختلاف است و بدون آن، طرح مساله در دیوان منتفی است. علی‌رغم ادله محکم تاریخی و حقوقی دال بر مالکیت و حاکمیت ایران نسبت به جزایر، به نظر می‌رسد در شرایط موجود، استفاده از ابزارهای حل و فصل دوستانه اختلافات، بخصوص «مذاکره مستقیم» بر پایه موازین حقوق بین‌الملل، منجمله حقوق معاهدات که یادداشت تفاهم سال ۱۹۷۱ بر اساس آن تنظیم گردیده، بتواند منازعه چندین ساله را حل و فصل نماید.

۴. مبانی نظری

۱.۴. حاکمیت

مفهوم و ابعاد حاکمیت از پر اهمیت‌ترین مباحث پایه‌ای حقوق عمومی و یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حوزه اندیشه سیاسی می‌باشد که همواره مورد مجادله و اختلاف بوده است. حاکمیت در کنار سرزمین، جمعیت و حکومت

به‌عنوان چهار رکن سازنده دولت کشور از ویژگی‌های خاصی برخوردار است به نحوی که درک حقیقی از مفهوم دولت کشور بدون شناخت صحیح حاکمیت و مبانی آن غیرممکن خواهد بود (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۱۵۸). این در حالی است که در کنوانسیون ۱۹۳۳ مونتو ویدئو، سرزمین، جمعیت، حکومت و توانایی برقراری ارتباط با سایر دولت‌ها، عناصر تشکیل‌دهنده ی دولت اعلام شده است. به هر حال، حاکمیت ابزاری در دست حکومت می‌باشد. به تعبیر دیگر حاکمیت عنصر اجتناب‌ناپذیر در تعریف و فهم هر نظام سیاسی به‌شمار می‌رود. واژه‌های حکم، حکومت، حاکمیت، احکام و حاکم همگی از مشتقات ماده حکم هستند و با توجه به مفهوم خاص خود، در ارتباط معنایی با منع کردن و بازداشت نمودن که مفهوم ریشه حکم است، می‌باشند. واژه حاکمیت نیز که مصدر جعلی از این ریشه است در معانی استیلا یافتن، سلطه برتر داشتن و تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیثی به‌کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱: ۱۳۱۴). لازم به ذکر است که کاربرد حاکمیت در زبان فارسی به معنای برتری جسمانی و یا معنوی نیست بلکه تفوق و استیلا نهفته در مفهوم حاکمیت به علت تقدم در سلسله مراتب قدرت می‌باشد (ارسنجان، ۱۳۴۸: ۱۰۴). اصطلاح حاکمیت سیاسی در زبان لاتین دارای ریشه و خاستگاه فرانسوی است. در زبان انگلیسی حاکمیت معادل (sovereignty) می‌باشد. اعراب نیز از واژه‌های «السیاده» و «السلطه» در مفهوم حاکمیت سیاسی استفاده می‌نمایند (پروین و اصلانی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). همچنین این واژه‌ی اخیر در ادبیات حقوقی و فقهی فارسی نیز کاربرد دارد.

۲.۴. اصل تصرف

در حقوق بین‌الملل، تعیین حاکمیت سرزمینی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که به‌ویژه در اختلافات مرزی و سرزمینی مورد توجه قرار می‌گیرد. اصل تصرف مؤثر از جمله اصولی است که دولت‌ها برای ادعای حاکمیت بر یک سرزمین به آن استناد می‌کنند. این اصل بر دو عنصر کلیدی استوار است (طبرسا، ۱۳۹۰: ۱۰۶): قصد اعمال حاکمیت (Animus Domini) و اعمال واقعی و مداوم حاکمیت (Corpus). اهمیت این اصل به‌ویژه در پرونده‌هایی که هیچ معاهده یا توافق رسمی وجود ندارد یا اسناد تاریخی مبهم هستند، افزایش می‌یابد. با این حال، کاربرد و تفسیر این اصل به دلیل پیچیدگی‌های تاریخی، حقوقی و سیاسی، اغلب محل مناقشه است.

۱.۲.۴. تعریف

اصل تصرف مؤثر به‌طور کلی به معنای اعمال واقعی و ملموس حاکمیت یک دولت بر یک سرزمین است. این اصل از دو بخش کلیدی تشکیل می‌شود (مطلبی و پورطالب، ۱۳۹۲: ۱۱۹):

- قصد و نیت اعمال حاکمیت (Animus Domini): بیانگر اراده و خواست دولت برای تصاحب و اعمال حاکمیت بر سرزمین مورد نظر است.
- اعمال واقعی حاکمیت (Corpus): به معنای اقداماتی است که نشان‌دهنده کنترل عملی، مداوم و مؤثر دولت بر سرزمین می‌باشد، مانند احداث زیرساخت‌ها، حضور نظامی، یا ایجاد خدمات عمومی.

این اصل عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود که سرزمین‌ها در اثر غفلت، ادعای متناقض، یا تغییرات سیاسی و حقوقی، دچار مناقشه می‌شوند.

۲.۲.۴. مبانی حقوقی اصل تصرف مؤثر

اصل تصرف مؤثر، یکی از مبانی حقوقی کلیدی در حل اختلافات سرزمینی است که ریشه در عرف بین‌المللی و آرای مراجع قضایی دارد. این اصل، اگرچه ابزاری مؤثر برای تعیین حاکمیت سرزمینی است، اما به تنهایی کافی نیست و باید در تعامل با سایر اصول حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار گیرد. در موضوع جزایر سه‌گانه خلیج فارس، تحلیل شواهد تاریخی

و ارزیابی مستمر اعمال حاکمیت ایران نشان می‌دهد که تصرف مؤثر ایران به‌وضوح معیارهای این اصل را برآورده می‌کند و ادعاهای امارات متحده عربی فاقد اعتبار حقوقی است. اصل تصرف مؤثر ریشه در قواعد عرفی حقوق بین‌الملل دارد و از گذشته به‌عنوان یکی از روش‌های مشروع برای کسب حاکمیت سرزمینی شناخته شده است. مهم‌ترین اسناد و آرای مرتبط با این اصل عبارتند از:

- کنفرانس برلین (۱۸۸۴-۱۸۸۵): در این کنفرانس، قدرت‌های استعماری اروپا برای اولین بار تأکید کردند که ادعای حاکمیت بر سرزمین‌های جدید باید با اعمال واقعی حاکمیت همراه باشد. این تصمیم، شالوده مفهوم تصرف مؤثر در حقوق بین‌الملل معاصر شد.
 - آرای دیوان بین‌المللی دادگستری: دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در موارد متعددی، از جمله پرونده‌های اختلافات سرزمینی بین هلند و دانمارک (۱۹۶۹) و اختلاف لیبی و چاد (۱۹۹۴)، بر اصل تصرف مؤثر تأکید کرده است. در این موارد، دیوان تصریح کرد که شواهد تاریخی و اعمال واقعی حاکمیت از مهم‌ترین معیارهای تعیین حق مالکیت است.
 - عرف بین‌المللی: رویه دولت‌ها در حل اختلافات مرزی و سرزمینی نیز نشان‌دهنده پذیرش گسترده اصل تصرف مؤثر است. این اصل در کنار اصولی چون احترام به تمامیت ارضی و عدم مداخله، یکی از بنیان‌های حقوق بین‌الملل سرزمینی محسوب می‌شود.
- عرف بین‌المللی، که ناشی از رویه مستمر و متقابل دولت‌ها همراه با اعتقاد به الزام‌آور بودن آن (Opinio Juris) است، یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. اصل تصرف مؤثر، به‌عنوان بخشی از حقوق عرفی، از تعامل تاریخی میان دولت‌ها در دعاوی مرزی و اختلافات سرزمینی شکل گرفته است. کشورهای استعمارگر اروپایی در قرون نوزدهم و بیستم، به‌ویژه در آفریقا و آسیا، برای توجیه ادعاهای خود بر سرزمین‌های مستعمراتی، به اصل تصرف مؤثر متوسل شدند. کنفرانس برلین (۱۸۸۴-۱۸۸۵) یکی از مهم‌ترین نمونه‌های شکل‌گیری این اصل در عرف بین‌الملل است (حجازی، ۱۳۹۹: ۱۳۸). در این کنفرانس، قدرت‌های اروپایی توافق کردند که ادعای حاکمیت بر سرزمین‌های جدید باید با اعمال واقعی و مداوم حاکمیت همراه باشد. در دنیای مدرن، تصرف مؤثر در چارچوب احترام به تمامیت ارضی دولت‌ها و حق تعیین سرنوشت، بازتعریف شده است. اکنون تصرف مؤثر بیشتر به‌عنوان معیار برای ارزیابی ادعاهای سرزمینی در چارچوب دعاوی حقوقی مطرح می‌شود.
- اگرچه اصل تصرف مؤثر مستقیماً در معاهدات بین‌المللی به‌عنوان یک قاعده مستقل ذکر نشده است، اما بسیاری از معاهدات به‌طور ضمنی یا مستقیم، به آن اشاره دارند. این معاهدات، به‌ویژه در زمینه حل و فصل اختلافات مرزی و تعیین حاکمیت سرزمینی، به‌عنوان چارچوبی حقوقی برای اعمال این اصل به‌کار رفته‌اند.
- کنفرانس برلین (۱۸۸۴-۱۸۸۵): این کنفرانس، اگرچه یک توافقنامه سیاسی بود، اما با تأکید بر لزوم اعمال واقعی حاکمیت برای توجیه ادعاهای سرزمینی، مبنای حقوقی تصرف مؤثر را تقویت کرد.
 - معاهدات دوجانبه: در بسیاری از معاهدات دوجانبه، دولت‌ها به صراحت یا تلویحاً، تصرف مؤثر را به‌عنوان معیار تعیین حاکمیت سرزمینی پذیرفته‌اند. نمونه‌ای از این معاهدات، توافقات مرزی میان کشورهای آمریکای لاتین در قرن نوزدهم است که در آنها بر لزوم اعمال مستمر حاکمیت تأکید شده است.
- آرای دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) و سایر مراجع قضایی بین‌المللی، مبنای حقوقی اصل تصرف مؤثر را به‌طور گسترده توسعه داده‌اند. این آرای قضایی، معیارها و الزامات عملی این اصل را مشخص کرده‌اند و نقش مهمی در تحول آن داشته‌اند.
- الف. پرونده جزایر منکوئر و ایکرئوس (۱۹۶۹): در این پرونده میان دانمارک و هلند، دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید کرد که اعمال واقعی و مستمر حاکمیت، مبنای اصلی برای تعیین مالکیت سرزمینی است. دیوان اعلام

کرد که صرف ادعاهای تاریخی بدون شواهد ملموس از اعمال حاکمیت نمی‌تواند مبنای حقوقی برای تصرف سرزمینی باشد.

- ب. پرونده لیبی و چاد (۱۹۹۴): در این اختلاف، دیوان تأکید کرد که تصرف مؤثر باید با معاهدات و شواهد تاریخی سازگار باشد. دیوان نشان داد که اصل تصرف مؤثر به‌تنهایی کافی نیست و باید با سایر اصول حقوق بین‌الملل، مانند تمامیت ارضی و معاهدات موجود، هماهنگ شود.
- ج. پرونده سنگ‌های سیریه و پارسل (۲۰۰۲): این پرونده میان مالزی و اندونزی، یکی دیگر از نمونه‌های کاربرد اصل تصرف مؤثر در دعاوی سرزمینی است. دیوان تصریح کرد که شواهدی از حضور نظامی، فعالیت‌های اقتصادی و اقدامات اداری می‌تواند نشان‌دهنده تصرف مؤثر باشد.

۳.۲.۴. معیارهای اصل تصرف مؤثر

برای آن‌که اصل تصرف مؤثر در دعاوی حقوقی قابل استناد باشد، دولت مدعی باید معیارهای زیر را رعایت کرده باشد (امیری پری، ۱۳۹۲: ۱۸):

- استمرار و مداومت در اعمال حاکمیت: تصرف مؤثر باید با اقدامات مداوم و پایدار همراه باشد. حضور نظامی کوتاه‌مدت یا فعالیت‌های محدود، برای اثبات حاکمیت کافی نیست.
- کنترل عملی: دولت باید توانایی کنترل و مدیریت سرزمین مورد نظر را داشته باشد. این کنترل باید شامل نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی باشد.
- پذیرش ضمنی یا آشکار توسط جامعه بین‌المللی: تصرف مؤثر زمانی قوی‌تر می‌شود که توسط سایر کشورها به رسمیت شناخته شود یا مخالفتی جدی با آن صورت نگیرد.
- استناد به شواهد تاریخی: شواهدی مانند نقشه‌ها، معاهدات، و گزارش‌های تاریخی می‌توانند نقش مهمی در اثبات اعمال تصرف مؤثر ایفا کنند.

۴.۲.۴. کاربرد اصل تصرف مؤثر در پرونده‌های بین‌المللی

اصل تصرف مؤثر در دعاوی بین‌المللی به دفعات مورد استناد قرار گرفته است. برخی از مهم‌ترین پرونده‌ها عبارتند

از:

- پرونده جزایر منکوئر و ایکرئوس (۱۹۶۹): در این پرونده بین دانمارک و هلند، دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید کرد که اعمال واقعی و ملموس حاکمیت، مبنای تعیین مالکیت سرزمینی است.
- پرونده جزایر الگان شور (۱۹۹۴): در اختلاف میان لیبی و چاد، دیوان رأی داد که شواهد تاریخی و معاهدات قبلی باید با تصرف مؤثر همراه باشند تا ادعای مالکیت تقویت شود.
- پرونده جزایر سه‌گانه خلیج فارس: اصل تصرف مؤثر یکی از محورهای اصلی در ادعاهای امارات متحده عربی علیه ایران است. امارات مدعی است که پیش از اعمال حاکمیت ایران در دهه ۱۹۷۰، این جزایر تحت کنترل مؤثر اعراب بوده است، در حالی که ایران شواهد متعددی از اعمال حاکمیت مداوم خود ارائه داده است.

۵.۲.۴. چالش‌های اصل تصرف مؤثر

- علی‌رغم اهمیت این اصل، چالش‌هایی در کاربرد آن وجود دارد:
- ابهام در تعریف استمرار: چه مدت زمانی برای اعمال حاکمیت مستمر کافی است؟ این پرسش در پرونده‌های مختلف پاسخ‌های متفاوتی دریافت کرده است.

- نقش عوامل سیاسی و ژئوپلیتیکی: در بسیاری از موارد، عوامل سیاسی و منافع قدرت‌های بزرگ بر تعیین نتیجه دعاوی تأثیر می‌گذارند و اصل تصرف مؤثر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.
- مشکلات مربوط به شواهد تاریخی: شواهد تاریخی گاه ناقص، متناقض یا تفسیرپذیر هستند، که می‌تواند فرآیند اثبات حاکمیت را پیچیده کند (جلالی و ایزدی، ۱۳۹۱: ۶۴).
- اصل تصرف مؤثر در تعامل با سایر اصول حقوق بین‌الملل، مانند احترام به تمامیت ارضی، اصل عدم مداخله، و حق تعیین سرنوشت، معنادار می‌شود. این تعامل می‌تواند در برخی موارد چالش‌هایی ایجاد کند:
 - تضاد با اصل تمامیت ارضی: در مواردی که یک سرزمین تحت تصرف مؤثر یک دولت قرار دارد اما به لحاظ حقوقی بخشی از قلمرو دولت دیگری است، این اصل می‌تواند با اصل تمامیت ارضی در تضاد قرار گیرد. نمونه آن اختلافات در مناطق تحت اشغال است.
 - حق تعیین سرنوشت: در مناطقی که گروه‌های مردمی خواهان استقلال یا خودمختاری هستند، اعمال تصرف مؤثر توسط دولت حاکم ممکن است با حق تعیین سرنوشت مردم محلی در تضاد باشد.

۵. مبانی حقوقی ادعای امارات متحده عربی

امارات متحده عربی در طرح ادعای خود بر جزایر سه‌گانه، به اصل تصرف مؤثر استناد کرده و مدعی است که این جزایر پیش از اعمال حاکمیت ایران در دهه ۱۹۷۰، تحت کنترل عملی شیوخ محلی شارجه و رأس‌الخیمه بوده‌اند. مبانی حقوقی این ادعا به شرح زیر است:

- الف. استناد به اعمال حاکمیت تاریخی: امارات ادعا می‌کند که شیوخ محلی در دوره‌های پیشین، اعمال حاکمیت مستمر بر این جزایر داشته‌اند. این ادعا شامل موارد زیر است (صفوی و قنبری، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۸):
 - تأسیس زیرساخت‌های محدود در جزایر.
 - جمع‌آوری مالیات از ماهیگیران محلی.
 - صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی.
- ب. استناد به نقشه‌ها و اسناد تاریخی: امارات متحده عربی برخی از نقشه‌ها و اسناد دوره استعماری را ارائه کرده و مدعی است که این اسناد، حاکمیت شیوخ محلی بر جزایر را تأیید می‌کنند.
- ج. نقش بریتانیا در حمایت از شیوخ: امارات متحده عربی معتقد است که بریتانیا، به‌عنوان قدرت استعماری منطقه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، حاکمیت شیوخ محلی بر این جزایر را به رسمیت شناخته است.

۶. ارزیابی شواهد تاریخی امارات متحده عربی

شواهد ارائه‌شده از سوی امارات متحده عربی برای اثبات تصرف مؤثر این کشور بر جزایر سه‌گانه، از منظر تاریخی قابل تحلیل و نقد است:

- الف. اسناد بریتانیایی: اگرچه بریتانیا در برخی اسناد دوره استعماری از شیوخ محلی شارجه و رأس‌الخیمه حمایت کرده است، این اسناد به‌طور مستقیم دلالتی بر اعمال حاکمیت مؤثر ندارند. بریتانیا به‌عنوان قدرت استعماری، اغلب بر اساس منافع استراتژیک خود عمل می‌کرده و روابطش با شیوخ محلی لزوماً به معنای شناسایی حاکمیت آنها نیست. برخی اسناد بریتانیایی نیز حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر را تأیید می‌کنند.
- ب. نقشه‌ها و مستندات تاریخی: نقشه‌های ارائه‌شده از سوی امارات اغلب ناقص یا فاقد اعتبار حقوقی لازم هستند. بسیاری از این نقشه‌ها توسط قدرت‌های استعماری تهیه شده و از منظر حقوق بین‌الملل، برای تعیین حاکمیت سرزمینی الزام‌آور نیستند.

- ج. شواهد محدود از اعمال حاکمیت: ادعای امارات مبنی بر جمع‌آوری مالیات یا صدور مجوزهای اقتصادی در جزایر، فاقد شواهد کافی است. در مقابل، شواهد تاریخی متعددی نشان می‌دهند که ایران از دوره‌های باستانی تا دوران معاصر، حضور مستمر و اعمال حاکمیت در این جزایر داشته است.

۷. نقد ادعای تصرف مؤثر امارات بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل

- اصل تصرف مؤثر در حقوق بین‌الملل معیارهایی مشخص دارد که ادعای امارات باید با آنها تطابق داشته باشد. این معیارها شامل استمرار، کنترل عملی، و پذیرش بین‌المللی است.
- الف. استمرار و مداومت در اعمال حاکمیت: امارات متحده عربی هیچ شواهدی مبنی بر اعمال مداوم و مستمر حاکمیت شیوخ شارجه و رأس‌الخیمه ارائه نکرده است. حتی در دوره استعماری، بریتانیا نیز حاکمیت آنها بر جزایر را به‌طور کامل به رسمیت نشناخته بود.
 - ب. کنترل عملی: فعالیت‌های ادعاشده از سوی امارات، نظیر جمع‌آوری مالیات یا صدور مجوز، بسیار محدود و غیرمستند هستند و نمی‌توانند معیارهای کنترل عملی را برآورده کنند. در مقابل، ایران از قرن‌ها پیش تا به امروز، کنترل کامل اداری، نظامی و اقتصادی این جزایر را در اختیار داشته است.
 - ج. پذیرش بین‌المللی: ادعای امارات توسط جامعه بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل، مورد پذیرش قرار نگرفته است. بسیاری از کشورها، به‌ویژه در اسناد رسمی، حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه را تأیید کرده‌اند.

۸. شواهد تاریخی و حقوقی ایران در رد ادعای امارات

- برای رد ادعای امارات متحده عربی، ایران شواهد متعددی ارائه کرده است که نشان‌دهنده اعمال مستمر و مؤثر حاکمیت بر جزایر سه‌گانه است:
- الف. شواهد تاریخی: حضور نظامی و اداری ایران در این جزایر از قرن‌ها پیش. نقشه‌ها و اسناد تاریخی متعددی که حاکمیت ایران را تأیید می‌کنند. استفاده مستمر ایران از این جزایر به‌عنوان بخشی از قلمرو ملی خود.
 - ب. شواهد حقوقی: توافقات ایران و بریتانیا در دهه ۱۹۷۰ که بازگشت جزایر به ایران را تأیید می‌کنند؛ رأی‌گیری‌ها و تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل که از موضع ایران حمایت کرده‌اند.
 - ج. اقدامات عملی ایران: استقرار زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی در جزایر؛ ارائه خدمات عمومی به ساکنان این مناطق؛ حضور مداوم نیروهای ایرانی در جزایر.

۹. نقش قدرت‌های بین‌المللی در ادعاهای امارات

- ادعاهای امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه، علاوه بر دلایل تاریخی و حقوقی، تحت تأثیر مداخلات و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز قرار دارد.
- بریتانیا: سیاست‌های استعماری بریتانیا در منطقه خلیج فارس، نقش مهمی در تقویت موضع شیوخ محلی داشته است.
 - ایالات متحده: حمایت غیررسمی ایالات متحده از ادعاهای امارات، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بخشی از سیاست‌های این کشور در تقابل با نفوذ ایران در منطقه است.

۱۰. معیارهای تصرف مؤثر و ادعای امارات

برای اثبات ادعا بر اساس اصل تصرف مؤثر، سه معیار اصلی باید محقق شوند: اعمال حاکمیت واقعی و مستمر (Continuity and Permanence)، کنترل عملی (Effective Control) و پذیرش ضمنی یا آشکار توسط جامعه بین‌المللی (International Recognition). این معیارها در مورد ادعای امارات به شرح زیر بررسی می‌شوند:

- الف. استمرار و مداومت در اعمال حاکمیت: امارات متحده عربی ادعا می‌کند که شیوخ شارجه و رأس‌الخیمه در گذشته، اعمال حاکمیت مستمر بر جزایر داشته‌اند. این ادعا به‌طور عمده بر فعالیت‌های محدود مانند جمع‌آوری مالیات و صدور مجوز ماهیگیری استوار است.

تحلیل: شواهد تاریخی نشان می‌دهد که شیوخ محلی، در بهترین حالت، اعمال حاکمیت محدودی داشته‌اند و این اعمال از لحاظ گستردگی، مداومت و استمرار، برای برآورده کردن معیارهای تصرف مؤثر کافی نیست. در مقابل، اسناد تاریخی متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد ایران از دوران باستان تا دوران معاصر، حضور مستمر و مؤثر در این جزایر داشته و حاکمیت آن به‌طور مداوم اعمال شده است.

- ب. کنترل عملی: کنترل عملی به معنای نظارت و مدیریت کامل بر سرزمین، شامل امنیت، اقتصاد و خدمات عمومی است. امارات ادعا می‌کند که شیوخ محلی پیش از دهه ۱۹۷۰ کنترل عملی این جزایر را در اختیار داشته‌اند.

تحلیل: بررسی شواهد نشان می‌دهد که شیوخ محلی توانایی یا ابزارهای لازم برای اعمال کنترل عملی بر این جزایر نداشته‌اند. اقدامات آنها عمدتاً به فعالیت‌های اقتصادی محدود بوده و هیچ‌گونه حضور نظامی یا اداری جدی در جزایر نداشته‌اند.

ایران، از سوی دیگر، با حضور نظامی، ساخت زیرساخت‌ها و ارائه خدمات عمومی، معیار کنترل عملی را به‌وضوح محقق کرده است.

- ج. پذیرش بین‌المللی: پذیرش ضمنی یا آشکار جامعه بین‌المللی یکی از ارکان تقویت‌کننده تصرف مؤثر است. امارات معتقد است که بریتانیا، به‌عنوان قدرت استعماری منطقه، حاکمیت شیوخ محلی را به رسمیت شناخته است.

تحلیل: شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بریتانیا، علی‌رغم حمایت از شیوخ محلی در برخی موارد، هرگز حاکمیت آنها بر جزایر سه‌گانه را به‌طور رسمی تأیید نکرده است. در سطح بین‌المللی نیز ادعای امارات مورد حمایت جدی قرار نگرفته و بسیاری از کشورها، به‌ویژه در اسناد رسمی، حاکمیت ایران بر جزایر را تأیید کرده‌اند.

۱۱. نقاط ضعف ادعای امارات بر اساس اصل تصرف مؤثر

با توجه به معیارهای تصرف مؤثر، ادعای امارات دارای نقاط ضعف جدی است:

- فقدان استمرار در اعمال حاکمیت: شواهد کافی برای اثبات اعمال مستمر و پایدار حاکمیت شیوخ محلی وجود ندارد. فعالیت‌های ادعاشده مانند جمع‌آوری مالیات یا صدور مجوز ماهیگیری، فاقد گستردگی و اهمیت لازم برای اثبات حاکمیت هستند (حجازی، ۱۳۹۹: ۲۰۰).
- نبود شواهد کافی از کنترل عملی: شیوخ محلی فاقد توانایی و ابزارهای لازم برای اعمال کنترل عملی بر جزایر بوده‌اند. در مقابل، ایران از قرون گذشته با حضور مداوم و اقدامات اداری و نظامی، کنترل عملی خود را بر این جزایر اعمال کرده است.
- عدم پذیرش بین‌المللی: جامعه بین‌المللی ادعای امارات را نپذیرفته است و موضع ایران به‌عنوان صاحب قانونی جزایر سه‌گانه در اسناد متعدد بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است.

۱۲. نتیجه‌گیری

جزایر سه‌گانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، دارای اهمیت استراتژیک، تاریخی، و حقوقی بی‌بدیلی هستند. با توجه به ادعای امارات متحده عربی مبنی بر مالکیت این جزایر و استناد این کشور به اصل تصرف مؤثر (Effective Occupation)، پژوهش حاضر به تحلیل دقیق این اصل و ارزیابی ادعاهای امارات پرداخته است. نتیجه‌گیری‌های حاصل از این بررسی، از منظر حقوق بین‌الملل و شواهد تاریخی، به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- ناتوانی امارات در اثبات استمرار اعمال حاکمیت: یکی از ارکان اصلی اصل تصرف مؤثر، اثبات استمرار و مداومت در اعمال حاکمیت بر سرزمین مورد ادعاست. امارات متحده عربی در ادعای خود بر جزایر سه‌گانه، مدعی است که شیوخ شارجه و رأس‌الخیمه در گذشته، حاکمیت مستمر بر این جزایر داشته‌اند. با این حال: شواهد تاریخی ارائه‌شده توسط امارات، محدود به فعالیت‌هایی همچون جمع‌آوری مالیات یا صدور مجوز ماهیگیری است که نمی‌توانند استمرار و مداومت لازم برای اعمال حاکمیت را نشان دهند. ایران، بر خلاف امارات، با ارائه شواهد متعدد تاریخی، نشان داده است که حضور و اعمال حاکمیت آن بر این جزایر از دوران باستان تا معاصر ادامه داشته است.

۲- ضعف شواهد امارات در اثبات کنترل عملی: کنترل عملی (Effective Control) یکی دیگر از الزامات اصل تصرف مؤثر است. این مفهوم به معنای توانایی یک دولت در مدیریت، نظارت و اعمال قدرت در سرزمین مورد ادعاست. در این خصوص: شیوخ محلی فاقد زیرساخت‌ها، منابع، و حضور نظامی یا اداری لازم برای اعمال کنترل عملی بر جزایر بودند. ایران، با حضور مداوم نظامی، ایجاد زیرساخت‌ها، ارائه خدمات عمومی و مدیریت اقتصادی جزایر، توانسته است کنترل عملی خود را بر این مناطق اثبات کند.

۳- عدم پذیرش بین‌المللی ادعای امارات: پذیرش بین‌المللی، یکی از عوامل تقویت‌کننده اصل تصرف مؤثر است. ادعای امارات در سطح بین‌المللی مورد پذیرش قرار نگرفته است: اسناد رسمی سازمان ملل متحد و بسیاری از کشورها، حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه را تأیید کرده‌اند. حتی بریتانیا، به‌عنوان قدرت استعماری حاکم در منطقه پیش از دهه ۱۹۷۰، حاکمیت شیوخ شارجه و رأس‌الخیمه بر جزایر را به‌طور رسمی تأیید نکرده و بازگشت جزایر به ایران را پذیرفته است.

۴- شواهد قوی ایران در اثبات تصرف مؤثر: ایران با استناد به شواهد متعدد، توانسته است معیارهای تصرف مؤثر را به‌خوبی برآورده سازد: شواهد تاریخی: نقشه‌ها، معاهدات و اسناد تاریخی متعدد حاکمیت مستمر ایران را نشان می‌دهند. اقدامات عملی: استقرار زیرساخت‌های نظامی و اداری، حضور مستمر نظامی و ارائه خدمات عمومی در جزایر، نشان‌دهنده اعمال حاکمیت عملی ایران است. پذیرش بین‌المللی: حاکمیت ایران بر این جزایر به‌طور گسترده در سطح بین‌المللی تأیید شده است.

۵- چالش‌های ادعای امارات مبتنی بر اصل تصرف مؤثر: تحلیل معیارهای حقوقی اصل تصرف مؤثر نشان می‌دهد که ادعای امارات متحده عربی دچار ضعف‌های جدی است: فقدان استمرار تاریخی: شواهد ارائه‌شده فاقد گستردگی و اهمیت لازم برای اثبات حاکمیت مستمر هستند. نبود کنترل عملی: شیوخ محلی توانایی اعمال مدیریت و نظارت بر جزایر را نداشتند. محدودیت‌های حقوقی: استناد به اسناد بریتانیایی و نقشه‌های استعماری، فاقد اعتبار کافی در حقوق بین‌الملل است.

واکاوی اصل تصرف مؤثر در حقوق بین‌الملل و تحلیل شواهد ارائه‌شده توسط طرفین نشان می‌دهد که ادعای امارات متحده عربی درباره مالکیت جزایر سه‌گانه، فاقد پایه‌های حقوقی و تاریخی معتبر است. در مقابل، ایران توانسته است با اتکا

به شواهد تاریخی، حقوقی و عملی، حاکمیت مستمر و مؤثر خود بر این جزایر را به‌طور کامل اثبات کند. بنابراین، اصل تصرف مؤثر نه تنها ادعای امارات را تقویت نمی‌کند، بلکه حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه را به‌عنوان واقعیتی مسلم در حقوق بین‌الملل تثبیت می‌کند. در چنین شرایطی، تلاش‌های دیپلماتیک و حقوقی ایران برای حفظ این موقعیت و مقابله با ادعاهای غیرقانونی امارات، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

منابع و ماخذ

- ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی علم سیاست، چاپ اول، انتشارات توس، ۱۳۶۸.
- ارسنجانی، حسن، حاکمیت دولت‌ها، چاپ اول، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۸.
- افشار سیستانی، ایرج. جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک شامل: جایگاه طبیعی... تهران: نشر وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات. ۱۳۸۰.
- امیری پری، فاطمه. «بررسی مسئله جزایر سه‌گانه در دوره پهلوی با نگاهی به عملکرد دولت و مجلس». فصلنامه اسناد بهارستان. دوره جدید. شماره دوم. تابستان. ۱۳۹۲.
- بحیرایی، حمید. کنوانسیون حقوق دریاها (ضمائم و موافقت‌نامه‌ها). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. ۱۳۸۸.
- پورطالب، روح‌الله. جزایر سه‌گانه از منظر تاریخی و حقوق بین‌الملل. تهران: نشر خبرگزاری فارس. ۱۳۹۲.
- تدینی، عباس. حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی و بین‌الدولی. تهران: نشر میزان. ۱۳۸۹.
- جلالی، محمود و ایزدی، حجت. «دلایل تاریخی و حقوقی حاکمیت ایران بر جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی». مطالعات حقوقی، شماره ۶، ۱۳۹۱.
- حجازی، اکبر، جزایر سه‌گانه خلیج فارس: بررسی دلایل حاکمیت از سوی امارات و ایران، تهران: اندیشه مولانا، ۱۳۹۹.
- صفوی، سید یحیی و قنبری، علی اصغر. «پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال هفتم، شماره ۳، پاییز. ۱۳۹۰.
- طبرسا، نقی. جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس: پژوهشی تاریخی - حقوقی. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر. ۱۳۹۰.
- مطلبی، مسعود و پورطالب، روح‌الله، جزایر سه‌گانه از منظر تاریخی و حقوق بین‌الملل، مؤسسه خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲.